

دادرسی منصفانه اطفال ناظر بر واکنش نظام قضایی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۱۲)

معصومه قلیچ

چکیده

کودکان متهم یا محکوم به نقض قانون کیفری به دلیل سن و شرایط خاص نیازمند توجه و حمایت خاص در سیستم قضایی می باشند؛ لذا دادرسی کیفری ویژه اطفال که از بدو تماس کودک با مقامات انتظامی و قضایی تا خاتمه رسیدگی به اتهام او جریان دارد، از حیث ضرورت تأمین هدف والای انسانی اصلاح و تربیت و پیشگیری از وقوع جرم آنها، واجد اهمیت فراوان است. با توجه به تضمین های مذکور، برای تحقق این روش محرز می گردد چنین حمایتی از کودکان جز در پرتو دادرسی منصفانه در سیستم خاص دادرسی اطفال امکان پذیر نمی باشد. بنابراین برای بررسی دقیق دادرسی به معنای عام آن، یعنی از بدو تماس تا خاتمه رسیدگی اعم از مرحله کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و نحوه دادرسی و صدور حکم و تأمین اهداف عالی تعلیم و تربیت و بازسازی اجتماعی کودک به تبیین تصمیمات و اصول ناظر بر آیین دادرسی منصفانه ناظر بر واکنش نظام قضایی در این مقاله می پردازیم.

واژگان کلیدی: دادرسی اطفال، نظام قضایی، دادگاه اطفال، حقوق کودکان، تحقیقات

مقدماتی

بخش اول: اصول و موازین ناظر بر ساختار قضایی مناسب و صلاحیت‌دار

تضمین دادرسی عادلانه، مستلزم ایجاد یک ساختار قضایی مطلوب است. به همین دلیل، سیاست‌گذاران قضایی با تدوین قوانین و مقررات متعدد موجبات آن را فراهم می‌کنند. به طور کلی دادرسی جرایم اطفال دارای ویژگی‌هایی است که آن را از رسیدگی به سایر جرایم متمایز می‌کند. این امر نشان از اهمیت برخورد و واکنش مناسب به کودک معارض با قانون دارد. دستگاهی که به جرایم کودکان و نوجوانان رسیدگی کرده و در مورد آنان حکم صادر می‌کند، یکی از مهمترین عوامل در مبارزه با بزهکاری خردسالان و نوجوانان به شمار می‌آید. به همین جهت در کشورهای متمدن جهان که پس از جنگ بین الملل دوم اصلاحاتی به منظور اجرای قوانین جزائی خود نسبت به اطفال انجام داده‌اند، ایجاد «دادگاه‌های بزهکاران خردسال و نوجوان» در صدر این اصلاحات قرار گرفته است.

بند اول: تشکیل دادگاه مناسب و صلاحیت‌دار

ایجاد دادگاه مناسب و صلاحیت‌دار از تضمین‌های بارز دادرسی عادلانه به شمار می‌رود؛ زیرا تناسب دادگاه با نوع بزهکاری و بزهکار و نیز صلاحیت داشتن دادگاه سبب افزایش دقت در رسیدگی‌های کیفری می‌شود. تحت تأثیر همین رویکرد، سیاستگذاران جنایی با توجه به معیارهایی از قبیل شدت جرم ارتكابی، جنس بزه‌کاران و سن آنان به دس بندی دادگاه‌ها برای برقراری تناسب بیشتر میان دادگاه رسیدگی کننده و پدیده بزهکاری و بزهکار مبادرت ورزیده‌اند. پیمان حقوق کودک در قسمت سوم بخش ب بند ماده ۴۰ (رسیدگی به اتهام از سوی یک مقام یا مرجع قضایی صلاحیت‌دار) این حق را برای کودکان بزهکار به رسمیت شناخته است. در حقوق داخلی ماده یک لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، به ایجاد دادگاه اطفال و نوجوانان و صلاحیت آنها برای رسیدگی به جرائم افراد کمتر از ۱۸ سال اشاره کرده است و این حق را برای اطفال بزهکار پذیرفته است.

ماده ۲-۱۱ مقررات پکن مقرر داشته است: نیروی انتظامی، دادسراها یا سایر نهادهایی که با نوجوانان بزهکار تماس دارند اختیار خواهند داشت، در موارد داخل در صلاحیتشان، بدون

توسل به روال دادرسی جزایی، طبق معیارهای موجود در نظام ذیربط حقوقی و نیز مطابق با اصول مندرج در قواعد حاضر عمل کنند.

بر اساس این ماده استفاده از روش های جایگزین دادگاه رسمی از طریق روش تذکر و اخطار به طفل و یا اطلاع دادن وضعیت طفل به خانواده او از سوی «دایره جوانان اداره پلیس» راهی مناسب برای اصلاح و تربیت طفل و رعایت مصالح عالییه وی می باشد. این اقدام نوعی قضازدایی است و در اصل برنامه هایی را شامل می شود که خارج از تشکیلات قضایی اطفال اعمال می گردد و به لحاظ کاهش برخورد فرد بزهکار با دستگاه قضایی و همچنین جلوگیری از عواقب سوء این برخورد می باشد. در این مبحث ابتدا، نهادهای رسمی برخورد با کودکان بزهکار و سپس نهادهای غیر رسمی در این زمینه مورد توجه و بررسی قرار می گیرد.

بند دوم: مراجع رسمی رسیدگی کننده جرایم اطفال

دادرسی منصفانه اطفال و منافع عالییه کودک اقتضاء می کند که تشکیلات قضایی خاص اطفال در سیستم دادرسی کشورها پیش بینی شود. بند دوم و سوم ماده ۴۰ پیمان نامه حقوق کودک لزوم پیش بینی دادگاه های اختصاصی برای اطفال را مورد تأکید و اشاره قرار داده است. این پیمان نامه مقرر می دارد: «... کشورهای عضو به ویژه تضمین خواهند کرد که ... رسیدگی به اتهام بدون تأخیر و توسط یک مقام یا مرجع قضایی واجد صلاحیت، مستقل و بی طرف، در یک دادرسی عادلانه مطابق با قانون و ... صورت پذیرد». بند سوم نیز مقرر می دارد: «کشورهای عضو تلاش خواهند نمود وضع قوانین و مقررات و تأسیس مراجع و نهادهایی که به کودکان مجرم، متهم یا مظنون به نقض قوانین کیفری اختصاص دارند را ترویج نمایند و ...». در نظام حقوقی ایران، ماده یک قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸، در حوزه هر شهرستان دادگاه اطفال تشکیل می شود و آیین رسیدگی در این دادگاه ها مطابق همین قانون خواهد بود که البته این قانون با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸/۶/۲ نسخ ضمنی شده است. در این گفتار ابتدا مرجع صالح در رسیدگی به جرایم اطفال بزهکار و سپس شرایط و نحوه اتخاذ تصمیم قضات مورد اشاره و بحث قرار خواهد گرفت.

الف- مرجع قضایی صالح

اسناد بین المللی مربوط به حقوق کودک از جمله پیمان نامه حقوق کودک در بندهای مختلف ماده و همچنین در ماده ۱۴ از قواعد مربوط به بیجینگ تأکید فراوان بر راه اندازی این تشکیلات اختصاصی دارد. در نظام حقوقی ایران به دنبال نسخ ضمنی قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸، یک بار دیگر مجدداً در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در ۱۳۷۸/۶/۲۸ حقوق کیفری اطفال مورد توجه قرار گرفت. ماده ۲۱۹ این قانون مقرر می‌دارد: «در هر حوزه قضایی و در صورت نیاز، یک یا چند شعبه از دادگاه‌ها برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال اختصاص داده می‌شود». تبصره ۲۵ ماده ۲۱۹ مقرر می‌دارد: «در حوزه‌هایی که چنین دادگاهی تشکیل نشده باشد دادگاه عمومی برابر مقررات این بخش به جرایم اطفال نیز رسیدگی خواهد کرد». با توجه به اینکه تشکیلات قضایی عموماً از دو بخش، یکی دادرسی در مرحله تحقیقات مقدماتی و دیگری، دادگاه در مقام صادر کننده حکم تشکیل گردیده است در این قسمت به بررسی این دو نهاد پرداخته می‌شود.

۱- دادرسی ویژه رسیدگی به جرایم اطفال

قانونگذار ما با توجه به تعریفی که از طفل ارائه نموده و با توجه به مجموع مقررات حاکم بر بزهکاری اطفال، سیستم خاصی را به اجرا در آورده است. در تبصره ۳ از ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (اصلاحی ۱۳۸۱) بیان می‌دارد که: «... و جرائم اطفال مستقیماً در دادگاه‌های مربوط مطرح می‌شود مگر آنکه به تشخیص دادستان تحقیقات راجع به سایر جهات ضرورت داشته باشد». رویه قضایی نیز با توجه به ماده فوق جرایم ارتكابی کودکان پسر زیر پانزده سال تمام و دختر زیر نه سال تمام را بدون رسیدگی در دادرسی مستقیماً به دادگاه اطفال ارسال می‌دارد. در حال حاضر، طی بخشنامه دادستان عمومی و انقلاب تهران، دادرسی ناحیه ۲۹ تهران در محل دادگاه اطفال با سرپرستی یکی از معاونین دادستان تهران به رسیدگی در مورد بزهکاری نوجوانان (بعد از سن بلوغ شرعی تا

سن ۱۸ سال) اختصاص پیدا نموده است. قابل ذکر است که ماده ۱۴ لایحه پیشنهادی قوه قضائیه (مورخ مهرماه ۸۲) تحت عنوان «قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان»، در این خصوص مقرر می‌دارد: «در معیت دادگاه‌های اطفال و نوجوانان و در محل تشکیل آن شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و در صورت لزوم یک یا چند دادیار و بازپرس دایر می‌گردد».

۲- دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اطفال

اولین دادگاه اطفال بزهکار در سال ۱۸۹۹ در ایالات متحده آمریکا تأسیس گردید و سپس تشکیل دادگاه اختصاصی اطفال، به عنوان اولین و مهمترین اقدام مورد توجه همه نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. در نظام حقوقی ایران اولین قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ است که مطابق ماده یک این قانون: «در حوزه هر شهرستان یک یا چند دادگاه اطفال تشکیل خواهد شد...». ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز بیان می‌دارد: «در هر حوزه قضایی در صورت نیاز، یک یا چند شعبه از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به جرایم اطفال اختصاص داده می‌شود». در تبصره ۲ همین ماده بیان می‌دارد که: «در حوزه‌هایی که چنین دادگاهی تشکیل نشده باشد دادگاه عمومی برابر مقررات این بخش به جرایم اطفال نیز رسیدگی خواهد کرد». قانون‌گذار در تبصره ۱۳ اصلاحی ۱۳۸۱ این قانون، رسیدگی به جرایم اطفال را مستقیماً در دادگاه‌های صالح مورد تصریح قرار داد. در پاره‌ای از ممالک دنیا، سیستم منطقی‌تری معمول گردیده است، بدین معنی که دادگاه‌های دادگستری را مأمور رسیدگی به جنایات یا جنحه‌های بزرگ کودکان و نوجوانان کرده‌اند، ولی مؤسسات و ادارات خاصی، را هم برای رسیدگی و توجه به خردسالانی که مرتکب اعمال ضد اجتماعی کم اهمیتی شده و یا دارای حالت خطرناک هستند، در نظر گرفته‌اند. این گونه ادارات در کشورهای مذکور، غالباً به اسم «اداره حمایت از اطفال» نامیده می‌شوند.

بخش دوم: بی‌طرفی دادرسی کیفری

یکی دیگر از مؤلفه‌های دادرسی منصفانه و شرط لازم برای تحقق آن اصل بی‌طرفی در دادرسی است. کمیته حقوق بشر بی‌طرفی را دارای دو جنبه می‌داند: نخست قاضی نباید اجازه دهد که قضاوتش تحت تأثیر تمایلات شخصی یا پیش‌داوریش قرار گیرد و یا بر اساس تصورات قبلی در مورد پرونده خاص حکم دهد و نباید به نحوی عمل کند که موجب تأمین منافع یکی از طرفین شود و طرفداری از یک طرف نماید. دوماً: محکمه باید بروز و ظهور عینی و منطقی در بی‌طرفی داشته باشد مثلاً محکمه‌ای که تحت تأثیر قاضی فاقد شرایط باشد، محکمه بی‌طرف محسوب نمی‌شود. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز بی‌طرفی محکمه و قاضی را از دو جنبه ذهنی شامل ندای درونی، وجدان قاضی، اندیشه‌های نادرست قاضی نسبت به یکی از طرفین، ترجیح دادن منافع یکی از طرفین، نژاد پرستی قاضی و غرض ورزی قاضی و جنبه عینی با تأکید بر ویژگی‌های ساختاری و عملکردی دادگاه مورد بررسی قرار می‌دهد. دیوان اروپایی به خاطر اهمیت رعایت بی‌طرفی دادگاه و تأثیر آن در منصفانه بودن دادرسی معتقد است، اگر در بی‌طرفی قاضی شک و تردید مشروع و موجه به وجود آید باید مورد از موارد رد قاضی، محسوب شود. بی‌طرفی ذهنی و شخصی قاضی منوط به تحقق دو شرط اساسی استقلال قضایی و مصونیت دادرسان می‌باشد. استقلال قضایی باید کامل و همه جانبه باشد؛ یعنی دادرس باید در برابر قوه مجریه، مسئولان قوه قضائیه و حتی در برابر افکار عمومی و غیره، استقلال داشته باشد و در صدور رأی فقط قانون و وجدان را حاکم قرار داده و به خواسته‌های دیگران توجهی نداشته و از هیچ مانع واحدی نهراسد. استقلال قضایی لازمه بی‌طرفی دادرس است و با استقلال دادرس بی‌طرفی او نیز تأمین می‌شود. علاوه بر دادرس، اشخاص دخیل در پرونده نیز باید بی‌طرف باشد، این اشخاص عبارتند از: گواهان و مطلعان، کارشناسان، ضابطان دادگستری، وکلای دادگستری، مترجمان و غیره. اصل ۱۶۴ قانون اساسی ایران برای تأمین استقلال بیشتر قضات، امنیت شغلی آنها را مطرح می‌نماید و مورد تأکید قرار می‌دهد. ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری نیز دادرسان و قضات تحقیق را مکلف می‌نماید در نهایت بی‌طرفی کامل تحقیقات را انجام داده و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است، بی‌طرفی کامل را رعایت نمایند. همچنین ماده ۴۶ مواردی که موجب

خداشه دار شدن بی طرفی قاضی می شود را مطرح نموده و آنها را از موارد رد دادرسی اعلام می دارد.

بخش سوم: صلاحیت دادگاه ویژه اطفال

تشکیلات قضایی که اصول دادرسی منصفانه ناظر بر ساختار و عملکرد آنها می باشد، شامل دادسرا، هیئت و شورای حل اختلاف و دادگاه می باشد. در برخی از کشورها که تشکیلات قضایی خاص اطفال وجود دارد، اطفال بزهکاری که مرتکب جرایم کم اهمیت می شوند بلافاصله به دادگاه اطفال و به قاضی آن دادگاه برای اتخاذ تصمیم مقتضی ارجاع می شوند؛ اما در بسیاری از نظام های حقوقی، اطفالی که مرتکب جرم مهم و یا جنایتی می شوند همچون بزرگسالان ابتدا به دادسرا فرستاده شده و مراتب فوراً به دادستان اطلاع داده می شود، و دادستان دستور تحقیق و تعقیب را صادر می کند. با توجه به اینکه دادستان قاضی نیست نمی تواند نسبت به ماهیت عمل ارتكابی رسیدگی کرده و حکم صادر نماید، بلکه می تواند قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب صادر کند یا پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی با صدور کیفرخواست پرونده را به دادگاه یا مقامات صلاحیت دار ارجاع می دهد. در کنوانسیون حقوق کودک تنها به ذکر «مرجع قضایی واجد صلاحیت» اکتفا شده است؛ اما کمیته حقوق کودک با استفاده از دو عبارت سیستم دادرسی نوجوانان و دادگاه و قاضی نوجوانان اصل را بر وجود دادگاه ویژه نوجوانان قرار داده است و با توجه به اینکه اطفال را افراد زیر ۱۸ سال تعریف می کند، برای دادگاه اطفال صلاحیت سنی را در نظر می گیرد. امروزه در نظام حقوقی اکثر کشورها استفاده از مرجع تخصصی در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بزهکار، به عنوان یک اصل پذیرفته شده است و معیارهایی مانند شرایط شخصی طفل بزهکار، طبیعت و اهمیت بزه را در تعیین صلاحیت مرجع دخالت داده اند که به طور مختصر به شرح این موارد پرداخته می شود.

بند اول: صلاحیت شخصی

در برخی کشورها مراجع قضایی اطفال نسبت به سن طفل، صلاحیت خود را رقم می‌زنند؛ به این صورت که با توجه به رده سنی نوجوانان یک مرجع رسیدگی ویژه آنان وجود دارد. از آن مهم‌تر، می‌توان صلاحیت مرجع قضایی را با توجه به سن اطفال و تحت تأثیر جنس طفل و منطقه جغرافیایی که طفل در آن زندگی می‌کند تعیین نمود. بنابراین در مراجع مذکور به جرم هر فرد زیر سن خاص معین در قانون رسیدگی می‌شود. تبصره یک ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد» و وفق تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی: حد بلوغ شرعی در پسران ۱۵ سال تمام قمری و در دختران ۹ سال تمام قمری است، لیکن مقنن آیین دادرسی کیفری در تبصره ماده ۲۲۰ این طور مقرر داشته است که به کلیه جرایم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام نیز در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی شود ولی برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال دادگاه ویژه‌ای پیش‌بینی نشده است. ماده یک لایحه پیشنهادی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در این خصوص مقرر می‌دارد: به کلیه جرایم افراد کمتر از ۱۸ سال تمام خورشیدی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در ماده ۳ لایحه مذکور نیز مقرر شده است: در حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان برحسب نیاز تشکیل می‌شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است به کلیه جرایم اطفال و نوجوانان در شعبه دادگاه عمومی جزایی یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد مطابق این قانون رسیدگی می‌شود.

بند دوم: صلاحیت ذاتی

صلاحیت دادگاه اطفال با توجه به نوع جرم به دو قسمت مختلف تقسیم می‌شود:

- صلاحیت دادگاه بر اساس جرایم اطفال تعیین می‌شود؛ در این مورد بزهکاری به عنوان ارتکاب هر عملی که موجب نقض قوانین کیفری می‌گردد، مورد توجه است. اگر نقض قوانین کیفری به عنوان جرم مهم و جدی مصوب شود با شرایط خاص سنی، دادگاه بزرگسالان صالح به رسیدگی خواهد بود و در صورتی که جرم جدی تلقی نگردد، صلاحیت رسیدگی به دادگاه اطفال است.

- صلاحیت دادگاه بر اساس جرایم خاص اطفال تعیین می شود: مقصود و منظور، اعمال ارتكابی از سوی طفل است که مستوجب مراقبت ویژه نسبت به وی می گردد، یعنی جرایم خاص اطفال مانند مدرسه گریزی، نافرمانی از خانه و مدرسه جرم خاص طفل است که اگر از سوی بزرگسالان ارتكاب یابد مورد تعقیب نمی باشد؛ البته بزرگ ترین مشکل در این زمینه، مصادیق جرایم خاص اطفال است که از منطقه ای به منطقه دیگر متفاوت است. بنابراین دادگاه اطفال برای رسیدگی به چنین جرایمی نیز صالح است.

وفق تبصره ماده ۸ آیین نامه اجرایی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب سال ۷۳، رئیس قوه قضائیه می تواند در هر حوزه قضایی، هر یک از قضات دادگاه های عمومی را با ابلاغ خاص برای رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان مصوب نماید. ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۷۸ در این خصوص مقرر می دارد: در هر حوزه قضایی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاه های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال اختصاص داده می شود. ماده ۲۳۱ نیز تصریح می کند که اختصاصی بودن بعضی از شعب دادگاه های عمومی مانع از ارجاع سایر پرونده ها به آن شعب نمی باشد. ماده ۱۰ لایحه پیشنهادی رسیدگی به جرایم اطفال در خصوص صلاحیت ذاتی مقرر داشته است: چنانچه اطفال و نوجوانان مرتکب جرایمی گردند که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است، رسیدگی به آنها در دادگاه کیفری استان ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان وفق مقررات این قانون به عمل خواهد آمد.

تبصره یک: در هر استان به تعداد مورد نیاز شعبه یا شعبی به عنوان دادگاه کیفری استان ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان برای رسیدگی به جرایم موضوع این ماده تأسیس می گردد. اختصاصی بودن این شعب مانع از ارجاع سایر پرونده ها به آنها نمی باشد.

بند سوم: صلاحیت محلی

علاوه بر سن بزهکار و نوع جرم ارتكابی، محل وقوع جرم از عناصر مؤثر در تعیین صلاحیت دادگاه ها است. در بیشتر کشورها دادگاه اطفال یا نوجوانان و یا مقام صلاحیت دار

محل وقوع جرم، یا محل اقامت طفل یا والدین یا سرپرست قانونی و یا جایی که طفل دستگیر شده صلاحیت رسیدگی به پرونده را دارند. در خصوص صلاحیت محلی تبصره ۲ ماده ۱۰ لایحه پیشنهادی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان مقرر می‌دارد: «دادگاه کیفری استان ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در مرکز یا شهرستان‌های تابع آن استان که جرم در آن محل ارتکاب یافته تشکیل می‌شود و چنانچه به تشخیص دادگاه مصلحت اطفال اقتضاء نماید، حسب مورد در جایی که متهم دستگیر شده یا اقامت دارد تشکیل خواهد گردید».

ماده ۱۲ نیز مقرر می‌دارد: «هرگاه یک یا چند طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتکب جرم شوند و یا در ارتکاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت نمایند، فقط به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود». در ماده ۱۳ نیز مقرر شده است: «در صورت بروز اختلاف در صلاحیت بین دادگاه‌های موضوع این قانون و یا با سایر محاکم، حل اختلاف بر طبق مقررات آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید».

تبصره: در صورت اختلاف در صلاحیت دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان نظر دادگاه متبع است.

ب- صلاحیت مقام دادرسی

در قوانین تشکیل دادگاه‌های اطفال و نوجوانان، اتخاذ هر نوع تصمیم و صدور حکم و تعیین روش برخورد با اطفال به قاضی اطفال و یا مقام صلاحیت‌دار تفویض شده است. لذا برای ایفای این نقش خطیر، قاضی اطفال و نوجوانان و یا مقام صلاحیت‌دار، بایستی از هر حیث شایستگی احراز مقام مذکور را دارا باشد و برای مدت چند سال در صورت صلاحیت در آن مقام ابقاء شود تا در ضمن خدمت با وضع اجتماعی، موقعیت محلی مؤسسات و کانون‌های اصلاح و تربیت و یا مراکز درمانی حوزه مأموریت خود کاملاً آشنا شود و با آگاهی از رشد جسمی و تحولات روانی و رفتاری کودک معارض با قانون بتواند آنان را برای سازگاری با محیط اجتماعی آماده سازد. کمیته تأکید می‌کند برای رعایت انصاف در دادرسی نوجوانان ضروری است که همه افراد متخصص در مواجهه با نوجوانان معارض با

قانون من جمله قضات از آموزش های مناسب برای اطلاع یافتن از محتوا و معنای مقررات کنوانسیون حقوق کودک برخوردار شوند و این آموزش باید سیستماتیک و به طور منظم ادامه یابد. این آموزش ها باید شامل علل اجتماعی و سایر علل بزهکاری نوجوانان و جنبه های روانشناسی و سایر جنبه های پیشرفت و رشد کودکان با توجه به جنس آنها و اقلیت یا بومی بودن آنها و فرهنگ و تمایلات مردم مختلف جهان باشد تا قاضی در خصوص اقدامات خاص و تصمیم گیری مناسب تر عمل نماید. در مجموعه مقررات پکن نیز تأکید شده است: آموزش تخصصی، آموزش حین خدمت، دوره های بازآموزی و سایر تعلیمات بایستی برای ایجاد و حفظ صلاحیت حرفه ای لازم جهت کلیه پرسنل مربوط به امور زندانیان به کار رود. در این خصوص ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مقرر می دارد: در هر حوزه قضایی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاه های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال اختصاص داده می شود. ماده ۸ آیین نامه اجرایی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مقرر می دارد: رئیس حوزه می تواند در هر حوزه قضایی هر یک از قضات را متناسب با تجربه و تبحر آنها با ابلاغ خاص برای رسیدگی به امور کیفری، حقوق خانوادگی، اطفال و ... تعیین و منصوب نماید. ماده ۵ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان نیز بیان می دارد که دادگاه اطفال از یک قاضی و دو مشاور تشکیل می شود، البته نظر مشاوران مشورتی است. ماده ۶ لایحه مقرر داشته است: «قاضی دادگاه، دادرسی اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضائیه از بین قضاتی که شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل و ترجیحاً داشتن فرزند و گذراندن دوره آموزشی محرز بدانند با داشتن حداقل پنج سال سابقه قضایی انتخاب می کند». ماده ۷ لایحه در خصوص مشاوران اشعار می دارد: «مشاوران دادگاه های اطفال و نوجوانان باید از بین متخصصان علوم روانشناسی و تربیتی، مددکاران اجتماعی و دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناسی و تربیتی کودکان و نوجوانان انتخاب می شوند». ماده ۴۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر می دارد که: «قضات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضائیه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت

قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بدانند، انتخاب می‌کند».

۱- شرایط و نحوه انتخاب قاضی اطفال

یکی از ویژگی‌های دادگاه اطفال، دادرسان صالح و شایسته برای رسیدگی به جرایم اطفال است. دادرسان دادگاه اطفال معمولاً با گذراندن دوره‌های آموزشی خاص، داشتن تجربه و غیره این شایستگی را کسب می‌کنند. این ویژگی در ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک به طور کلی و با بیان عبارت «مقام قضایی واجد صلاحیت» مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۶ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در این خصوص بیان می‌دارد: «قاضی دادگاه و دادرسرای اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضائیه از بین قضاتی که شایستگی آنان را برای این امر با رعایت، سن و جهات دیگر از قبیل تأهل و ترجیحاً داشتن فرزند و گذراندن دوره آموزشی، محرز بدانند با داشتن حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی انتخاب می‌کند». قضات دادگاه اطفال علاوه بر آموزش‌ها و داشتن شرایط سایر قضات، باید آموزش‌های خاصی در خصوص مقررات کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بین‌المللی به طور منظم داشته باشند. قانون تشکیل دادگاه اطفال مصوب ۱۳۳۸ به نحوه انتخاب قاضی اطفال اشاره داشت و در ماده ۲ مقرر می‌داشت: «قضات دادگاه اطفال را وزارت دادگستری از بین قضاتی که صلاحیت آنان برای این امر با رعایت سن و سوابق خدمت و جهات دیگر محرز بدانند انتخاب خواهد کرد. در صورتی که قاضی دادگاه اطفال به جهتی از جهات قانونی از انجام وظیفه باز بماند، رئیس کل دادگاه شهرستان می‌تواند دادگاه شهرستان را به جای قاضی اطفال به طور موقت مأمور نماید. بعد از فسخ قانون ۱۳۸۸، قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸، نسبت به شرایط قضاتی که متصدی دادگاه‌های اطفال را به عهده می‌گیرند تصریحی ندارد. قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادگستری نوجوانان (مقررات پکن) مقرر نموده است: «تحصیلات تخصصی، آموزش‌های ضمن خدمت، دوره ای، بازآموزی و سایر طرق آموزشی در جهت ایجاد و حفظ صلاحیت حرفه ای ضروری کلیه کارکنان مرتبط با پرونده‌های نوجوانان به کار گرفته خواهد شد».

۲- مشارکت کارشناس در تصمیم دادگاه

از جمله خصوصیات حقوق کیفری اطفال، استفاده از نظریات کارشناسان و متخصصان غیر حقوقی در جریان رسیدگی و صدور حکم نسبت به اعمال بزهکارانه است، قانون تشکیل دادگاه اطفال مصوب ۱۳۳۸ در ماده سوم منحصراً در امور جنایی حضور دو نفر مشاور را در تشکیل جلسه دادرسی ضروری می‌داند. در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ این ضرورت، مسکوت باقی ماند اگرچه برحسب اقتضاء، استفاده و ارجاع به نظریات کارشناسان متخصص پیش‌بینی شده است. ماده یک لایحه جدید قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان به ترکیب دادگاه اطفال و نوجوانان می‌پردازد که از یک قاضی و دو نفر مشاور تشکیل می‌شود. ماده ۲۰ لایحه مذکور مقرر می‌دارد: «مشاوران از بین شخصیت‌های علمی، فرهنگی، دانشگاهی، اداری اعم از مشاغل یا بازنشسته یا معتمدان محل که به امور اطفال و نوجوانان آشنا هستند و آگاهی و تجربه کافی داشته باشند، انتخاب می‌شوند» ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر می‌دارد: «مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند». تبصره یک این ماده مقرر می‌دارد که: «برای انتخاب مشاوران، رئیس حوزه قضایی هر محل برای هر شعبه حداقل هشت نفر مرد و زن را که واجد شرایط مندرج در این ماده بداند به رئیس کل دادگستری استان پیشنهاد می‌کند. رئیس کل دادگستری استان از بین آنان حداقل چهار نفر را برای مدت دو سال به این سمت منصوب می‌نماید». تبصره دو این ماده نیز مقرر می‌دارد که «در صورت مؤنث بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد».

بخش چهارم: مراجع جایگزین دادرسی رسمی (مراجع غیر رسمی)

ماده ی ۴۰ پیمان نامه حقوق کودک سعی در ترویج اصل دوری از دادرسی‌های قضایی دارد. این اصل در واقع به دنبال یافتن راهکارهایی بدون توسل به محاکم قضایی است که در

عین حال متضمن حفظ حقوق قانونی کودکان نیز باشند. گرایش سیستم دادرسی به برخورد غیر رسمی با جرایم اطفال و نوجوانان، بدون توسل به روند دادرسی رسمی و اتخاذ تصمیم، از طریق ارجاع به برنامه‌های ویژه و نهادهای خارج از سیستم قضایی، قضازدایی نامیده می‌شود. چنانچه امکان قضازدایی از همان ابتدایی‌ترین مراحل و توسط مراجع غیر قضایی میسر باشد دادرسی عادلانه به هدف خود نزدیک‌تر می‌شود. این رویکرد (استفاده از نهادهای غیر رسمی) مبتنی بر دو استدلال متفاوت است، جلوگیری از ورود اطفال به سیستم عدالت کیفری یک استراتژی اساسی کنترل بزهکاری اطفال محسوب می‌شود؛ زیرا نحوه رفتار با طفل خطاکار به گونه ای که از خود تلقی یک مجرم به عادت را داشته باشد، موجب می‌شود که هویت مجرمانه کسب کند و از آن پس، مانند یک بزهکار- منحرف تمام عیار رفتار نماید، بهترین نحوه رفتار با مرتکبان جرایم، دور نگهداشتن آنان از سیستم عدالت کیفری است. در اواسط دهه نود میلادی، قضازدایی سازوکاری برای کاهش حضور بیش از اندازه‌ی اقلیت‌های قومی و نژادی به عنوان متهم در سیستم عدالت کیفری بود. در مقررات پکن در بند یازدهم تحت عنوان قضازدایی آمده است: «برخورد با بزهکاران نوجوان، در موارد مقتضی، بدون توسل به محاکم رسمی توسط مرجع ذیصلاح مورد بررسی قرار خواهد گرفت». همچنین مقرر گردیده است: «نیروی انتظامی، دادستانی یا سایر نهادهای رسیدگی به پرونده‌های نوجوانان، دارای اختیار قانونی خواهند بود تا در مورد این گونه پرونده‌ها بنا به صلاحدید خود، بدون ارجاع به رسیدگی‌های رسمی، مطابق ضوابطی که بدین منظور در نظام قضایی مربوطه مقرر گردیده و همچنین مطابق اصول مصرح در مقررات حاضر تصمیم‌گیری نمایند.

بخش پنجم: اصول و قواعد حاکم بر دادرسی اطفال

دولت‌ها به موجب ماده ی ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک تعهد دارند، اطمینان یابند که کودکان از حقوق دفاعی خود محروم نشده‌اند و روند جلسات دادگاه بیشتر در جهت درک شخصیت کودک و توجه به اظهارات او است. از این رو در این مبحث، برخی از مهم‌ترین موضوعات مربوط به نحوه دادرسی به جرایم اطفال و قواعد حاکم بر آن مورد بحث و اشاره قرار می‌گیرد.

بند اول: اصل سرعت در رسیدگی (رسیدگی بدون تأخیر)

سرعت بخشیدن به دادرسی کیفری از نظرگاه حقوق بشر و آموزه های جرم شناختی بسیار درخور توجه است. رسیدگی کیفری بدون تأخیر از یک سو سبب می شود تا متهم بی جهت در فرآیند کیفری باقی نماند و از سوی دیگر به متهم و جامعه هشدار می دهد که در صورت ارتکاب جرم به سرعت از سوی نظام عدالت کیفری به آن پاسخ داده می شود. بنابراین، رسیدگی بدون تأخیر سازوکاری مناسب برای پیشگیری از تضییع حقوق و آزادی های شهروندان به شمار می رود. در سطح بین المللی قسمت دوم بخش ب بند ۲ ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک این سازوکار را به رسمیت شناخته و مقرر نموده: «هر کودک مظنون یا متهم به نقض قوانین کیفری حداقل از تضمین های زیر برخوردار باشد ... رسیدگی به اتهام بدون تأخیر و توسط یک مقام یا مرجع قضایی ...». بر اساس بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود با تساوی کامل لااقل حق تضمین هایی از جمله اینکه بدون تأخیر غیر موجه درباره او قضاوت شود، را دارا می باشد. در سطح داخلی ماده ۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ بیان شده است: «دادرسان و قضات تحقیق مکلف اند اقدامات فوری برای جلوگیری از امحای آثار و علایم جرم به عمل آورده و در تسهیل و جمع آوری اسباب و دلایل جرم به هیچ وجه نباید تأخیر نمایند». ماده ۳۴ قانون مذکور نیز مقرر می دارد: «قاضی تحقیق می تواند در تمام مراحل تحقیقات قرار بازداشت متهم و یا قرار اخذ تأمین و یا تبدیل تأمین را صادر نماید و در مورد قرار بازداشت و یا قرار تأمینی که منتهی به بازداشت متهم می شود مکلف است حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد قاضی دادگاه ارسال کند». اما قاضی رسیدگی کننده پرونده هیچ تکلیفی به تسریع در رسیدگی بر اساس مقررات ندارد. در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان نیز ضابط دادگستری مکلف است کودک را بی درنگ به دادسرا یا دادگاه تحویل دهد، اما هیچ تکلیفی در رسیدگی بدون تأخیر برای قاضی مقرر نشده است. تنها در تبصره ۲ ماده ۱۹ به قاضی اختیار داده است که در جرایمی که مجازات قانونی آن حبس کمتر از سه سال و یا مجازات تعزیری دیگری غیر از حبس خواه به تنهایی یا توأم با مجازات هایی دیگر باشد، هر

گاه متهم و والدین یا سرپرست قانونی او، همچنین در صورت داشتن وکیل، اگر وکیل او حاضر باشند و درخواست رسیدگی نمایند و موجبات رسیدگی فراهم باشد، دادگاه بدون تعیین وقت رسیدگی اتخاذ تصمیم نماید. تبصره ۲ ماده ۴۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز در این خصوص مقرر می‌دارد: «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت و همچنین در جرایم تعزیری که مجازات قانونی آن‌ها غیر از حبس است. هرگاه متهم و والدین یا سرپرست قانونی او و همچنین در صورت داشتن وکیل، وکیل او حاضر باشند و درخواست رسیدگی نمایند و موجبات رسیدگی نیز فراهم باشد، دادگاه می‌تواند بدون تعیین وقت، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید.

بند دوم: اصل غیر علنی بودن دادرسی

طبق اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است؛ مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعوی خصوصی طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد». در دادرسی‌های کیفری، اصل بر علنی بودن دادرسی کیفری است. بر پایه این اصل، همه شهروندان می‌توانند در فرآیند رسیدگی کیفری حضور پیدا کنند تا از یک سو با وجود قضاوت افکار عمومی مقام‌های قضایی با دقت بیشتری تصمیم‌گیری کنند و از سوی دیگر سایر شهروندان با مشاهده محاکمه بزهکاران عبرت گرفته و از ارتکاب جرم منصرف شوند. در پرتو مقررات عام کیفری، علنی بودن محاکمه‌های کیفری از تضمین‌های دادرسی عادلانه به شمار می‌رود؛ ولی در برخی از موارد به ویژه محاکمه‌های کیفری کودکان بزهکار، این اصل تعدیل می‌شود. بدین سان تصمیم‌گیران سیاست‌جنایی برای حفظ حریم خصوصی کودکان و جلوگیری از زدن برچسب مجرمانه به این دسته از بزهکاران غیر علنی بودن محاکمه‌های کیفری را در شمار تضمین‌های دادرسی عادلانه قرار می‌دهند. در قلمرو حقوق کیفری شکلی ناظر بر بزهکاری کودکان، غیر علنی بودن رسیدگی کیفری از مصداق‌های دادرسی عادلانه است. قسمت هفتم بخش ب بند ۲ از ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک به این امر پرداخته است و بیان می‌دارد که غیر علنی بودن محاکمه طفل، یک حق قانونی است که

طفل در حین محاکمه از آن برخوردار می‌باشد و مقرر گردیده که محرمانه بودن کامل موضوع در طول تمام مراحل دادرسی امری لازم است. کمیته نیز تأکید می‌کند که حق حریم خصوصی نه تنها غیر علنی بودن دادگاه را ضروری می‌نماید بلکه همه کارمندان و افراد دخیل در پرونده را به حفظ و نگهداری از همه اطلاعات محرمانه پرونده کودک که میتواند موجب شناسایی او شود ملزم می‌نماید.

بند سوم: اصل جواز رسیدگی غیابی

به جهت رعایت مصالح کودک و پیش‌بینی انجام دادرسی عادلانه و منصفانه، اصل جواز رسیدگی غیابی به جرایم اطفال، یکی از اصول اختصاصی دادرسی اطفال بزهکار می‌باشد. بر همین اساس، ماده ۲۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مقرر می‌دارد: «در صورتی که مصلحت طفل اقتضاء نماید، رسیدگی در قسمتی از مراحل دادرسی در غیاب متهم انجام خواهد گرفت و در هر حال رأی دادگاه حضوری محسوب می‌شود». ماده ۲۲۷ نیز بیان می‌دارد: «دادگاه به دادخواست مدعی خصوصی برابر مقررات رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می‌نماید، حضور طفل در دادگاه ضروری نیست». لایحه جدید تشکیل دادگاه اطفال (پیشنهادی مهر ۱۳۸۲) طی مواد ۲۰ تا ۲۳ به جهت رعایت مصلحت کودک به جواز رسیدگی غیابی نظر داده است. ماده ۴۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر می‌دارد: «هرگاه مصلحت طفل موضوع تبصره (۱) ماده (۳۰۴) این قانون، اقتضاء کند، ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید. رأی دادگاه در هر صورت حضوری محسوب می‌شود».

بخش ششم: تدابیر و تمهیدات لازم برای تصمیم‌گیری و واکنش منصفانه

تدابیر و تمهیدات لازم برای تصمیم‌گیری در این مبحث ابتدا در مقررات بین‌المللی و سپس در سطح داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بند اول: تدابیر و تمهیدات لازم برای تصمیم‌گیری منصفانه در مقررات بین

المللی

تبصره ۴ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک در این خصوص مقرر داشته است: «در دادرسی کودکان اتخاذ هر نوع تصمیم از قبیل مواظبت، راهنمایی، نظارت، مشاوره، آزادی یا مراقبت، سپردن به خانواده دیگر، اجرای برنامه‌های آموزش عمومی و حرفه‌ای و اقدامات دیگر باید در جهت اصلاح و تربیت، حفظ منافع، منطبق با موقعیت طفل و جرم باشد. برای رعایت این مهم کمیته حقوق کودک به دولت‌ها توصیه می‌کند که قوانین به نحوی تنظیم شوند که برای دادگاه یا قاضی یا سایر مقامات صالح، بی‌طرف و مستقل یا سایر نهادهای قضایی تنوعی گسترده از تدابیر و شقوق مختلف تصمیمات پیش‌بینی شود تا آن‌ها بتوانند یکی از آن تدابیر را به جای مراقبت‌های مؤسسه‌ای و محرومیت از آزادی برای کودک متهم به نقض قانون اتخاذ نمایند. کمیته مؤکداً توصیه می‌کند، واکنش به جرم ارتكابی توسط کودک و اتخاذ تدبیر در برخورد نه تنها متناسب با شرایط و شدت جرم باشد، بلکه باید با سن کودک هم متناسب باشد و شرایط نیازهای کودک را مورد ملاحظه قرار دهد. کمیته در خصوص نوع تدابیر اتخاذی متذکر می‌شود که یک رویکردی کیفری و جزایی صرف، مطابق با اصول راهنمایی دادرسی و نوجوانان مشروح در ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک نمی‌باشد. سپس در این خصوص کمیته تأکید می‌نماید که مجازات‌های جسمی نقض اصل مذکور در ماده ۳۷ کنوانسیون یعنی ممنوعیت همه اشکال مجازات و رفتار غیر انسانی، بی‌رحمانه و حقارت آمیز می‌باشد. در موارد جرایم شدید که کودکان مرتکب می‌شوند، کمیته معتقد است اگرچه حل و فصل و اتخاذ تدابیر باید متناسب با شرایط سنگینی جرم و شرایط مجرم باشد و ملاحظات امنیت عمومی باید در نظر گرفته شود، اما این امر مانع توجه به تضمین رفاه و منافع عالیه کودک و ارتقاء و پیشرفت سازش فرد جوان نباید بشود. کمیته بر وجود تنوع تدابیر مختلف و لزوم بهره‌مندی از این تجارب برای دوری از محرومیت از آزادی و مراقبت‌های مؤسسه‌ای تأکید ورزیده و از دولت‌ها می‌خواهد که از این تجارب بهره‌مند شوند.

بند دوم: تدابیر و تمهیدات لازم برای تصمیم‌گیری در مقررات داخلی

بر اساس ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ آراء دادگاه در مورد کودکان نه تا پانزده سال تمام شمسی عبارتند از:

الف) تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل

ب) تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوانان بداند.

ماده ۸۹ قانون مذکور در خصوص نوجوانان بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی به مجازات های نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، پرداخت جزای نقدی و ارائه خدمات عمومی رایگان اشاره می کند.

نتیجه گیری

کودکان به مثابه آینده سازان کشور نیازمند توجهی ویژه از سوی قانونگذاران به ویژه سیاست گذاران جنایی اند. اتخاذ یک سیاست جنایی ویژه در مورد این قشر آسیب پذیر از مهم ترین مسائلی است که دولت ها باید به آن توجه کنند. در ایران تنها قانونی که در زمینه آیین دادرسی ویژه کودکان بزهکار به تصویب رسید، قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ بود که هرگز قابلیت اجرا در کل کشور پیدا نکرد. پس از الحاق ایران به پیمان حقوق کودک در سال ۱۳۷۲، تا سال ۱۳۹۲ هیچ قانون ویژه ای در زمینه دادرسی کودکان بزهکار به تصویب نرسیده بود. قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در فصل ششم بخش دوم به رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان اختصاص داده شده است که در مبحث اول این فصل تشکیلات دادگاه اطفال بیان شده است به این ترتیب که ریاست دادگاه اطفال را به عهده رئیس دادگستری یا رئیس کل دادگاه های شهرستان مرکز استان قرار داده است و شرایط قضات این دادگاه ها نیز در ماده ۴۰۸، داشتن حداقل پنج سال سابقه قضایی، تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند عنوان شده است. در خصوص مشاوران دادگاه اطفال نیز بیان شد که انتخاب مشاوران از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم شناسی،

مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته صورت می‌گیرد. در مبحث دوم با عنوان ترتیب رسیدگی، در مواد ۴۱۳ الی ۴۱۷ به اصول دادرسی منصفانه شامل: خصوصی بودن دادرسی، حقوق دفاعی متهم، حق داشتن وکیل و غیره اشاره شده است.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- ابراهیمی ورکیانی، فاطمه، حق دادرسی منصفانه کودکان در تعارض با قانون، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۲.
- اردبیلی، محمد علی، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلای دادگستری، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- امامی نمینی، محمود و صلاحی، جاوید، دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ایرانی ارباطی، بابک، مجموعه نظرهای مشورتی جزایی، جلد اول، چاپ دوم، مجد، ۱۳۸۶.
- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- آشوری، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- بکاریا، سزار، جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، چاپ پنجم، نشر میزان، ۱۳۸۵.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۵۶.
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات مؤسسه پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- خواجه نوری، یاسمن، جلوه‌های دادرسی عادلانه در حقوق کیفری کودکان، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸.

عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۸.

عبادی، شیرین، حقوق کودک، انتشارات کانون، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۲.
گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۹.

گلدوست جویباری، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل، چاپ هشتم، ۱۳۹۶.

مدنی قهفرخی، سعید وزینالی، امیر حمزه آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران، نشر میزان، چاپ اول ۱۳۹۰.

ب) مقالات

جوانمرد، بهروز و جمال امیدی، مصطفی، پاسخ‌های حقوقی کیفری ایران به صغار معارض با قانون، مجله حقوقی داور، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲، ۱۳۸۸.
خواجه نوری، یاسمن، نقش کیفرهای جامعه‌محور در پیشگیری از تکرار جرم کودکان، مجموعه مقالات کارگروه پیشگیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی، چاپ اول، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی ناجا، ۱۳۸۸.

فروغی‌فر، جواد، نقش قضازدایی در کاهش جمعیت کیفری زندان، مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۶.
محمودی جانکی، فیروز، حق دفاع متهم در علوم جنایی، مجموعه مقالات برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر، جلد اول، چاپ اول، کمیته معاضدت و ستاد مبارزه با مواد مخدر دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، انتشارات سلسیل، ۱۳۸۴.

نیازپور، امیرحسین، بازپروری، بزهکاران در مقررات ایران، مجله فقه و حقوق، شماره ۱۱، ۱۳۸۵.

نیازپور، امیرحسین، حق متهمان مبنی برداشتن وکیل در فرآیند کیفری، جلوه ای از حقوق شهروندی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸، ۱۳۸۶.